

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمرکز طراح اصول فقہ

مؤلف:

محمد حسین خادمی

رتبہ یک آزمون وکالت



تقدیم به:

دو طلبان آزمون وکالت و حقوقدانانی که در این مسیر برای رسیدن به هدف خود، هیچ گاه دست از تلاش برنداشتند.

هشدار مهم و جدی !

این اثر ثبت شده و مورد حمایت قانون می‌باشد. هرگونه الگوبرداری از سبک و سیاق این کتاب یا استفاده از مطالب آن به هر طریق (به شکل کتاب، جزوه، فایل صوتی، تصویری و اپلیکیشن‌های تلفن همراه یا ارائه در سایت‌های اینترنتی و فضای مجازی) ممنوع بوده و متخلفین مطابق قوانین موضوعه کشوری تحت تعقیب شدید کیفری قرار خواهند گرفت.

سابقه برخورد شدید این انتشارات با مرتکبین بزه مزبور که برخی از آنها اکنون با حبس‌های طولانی روبرو می‌باشند شاهدهی بر عزم راسخ این مجموعه در دفاع از آثار خود می‌باشد.

واحد حقوقی انتشارات ارشد

فهرست اجمالی

فصل اول: کلیات و مفاهیم

- مبحث اول: تعاریف کلی..... ۱۷
- مبحث دوم: تعریف حکم شرعی و اقسام آن..... ۱۷

فصل دوم: الفاظ

- مبحث اول: وضع و الفاظ..... ۲۳
- مبحث دوم: حقیقت و مجاز..... ۲۷
- مبحث سوم: نص، ظاهر، مأول، مجمل..... ۳۳
- مبحث چهارم: دلالت و انواع آن..... ۳۵
- مبحث پنجم: اصول لفظیه و انواع آن..... ۳۷
- مبحث ششم: اوامر..... ۴۱
- مبحث هفتم: نواهی..... ۵۹
- مبحث هشتم: مفاهیم..... ۶۴
- مبحث نهم: عام و خاص..... ۷۹
- مبحث دهم: مطلق و مقید..... ۱۰۲
- مبحث یازدهم: مجمل و مبین..... ۱۱۵

فصل سوم: ادله استنباط احکام

- مبحث اول: کلیات و مفاهیم..... ۱۲۱
- مبحث دوم: ادله اربعه..... ۱۳۰
- مبحث سوم: سایر ادله..... ۱۵۱

فصل چهارم: اصول عملیه

- مبحث اول: استصحاب..... ۱۷۳
- مبحث دوم: اصل برائت..... ۱۹۰
- مبحث سوم: اصل احتیاط (اشتغال)..... ۲۰۳
- مبحث چهارم: اصل تخییر..... ۲۱۰

فصل پنجم: تعارض ادله

- مبحث اول: تزامم..... ۲۱۷
- مبحث دوم: تعارض غیر مستقر..... ۲۲۲
- مبحث سوم: تعارض مستقر..... ۲۳۲
- مبحث چهارم: تعارض برخی ادله..... ۲۳۶

فصل ششم: اجتهاد و تقلید

- مبحث اول: اجتهاد..... ۲۵۲
- مبحث دوم: تقلید..... ۲۵۷
- فهرست منابع..... ۲۶۰

فهرست تفصیلی

فصل اول: کلیات و مفاهیم

- مبحث اول: تعاریف کلی..... ۱۷
- مبحث دوم: تعریف حکم شرعی و اقسام آن..... ۱۷
۱. حکم تکلیفی و وضعی..... ۱۷
۲. حکم واقعی و ظاهری..... ۲۰
۳. حکم اولیه و ثانویه..... ۲۱

فصل دوم: الفاظ

- مبحث اول: وضع و الفاظ..... ۲۴
۱. وضع و اقسام آن..... ۲۴
۲. انواع الفاظ..... ۲۵
- مبحث دوم: حقیقت و مجاز..... ۲۷
۱. علائم شناخت حقیقت و مجاز..... ۲۸
۲. شرایط استعمال لفظ در معنای مجازی آن..... ۲۸
۳. اقسام حقیقت..... ۳۰
- مبحث سوم: نص، ظاهر، مأوّل، مجمل..... ۳۳
- مبحث چهارم: دلالت و انواع آن..... ۳۵
- مبحث پنجم: اصول لفظیه و انواع آن..... ۳۷
- مبحث ششم: اوامر..... ۴۱
۱. شیوه‌های امر کردن..... ۴۲
۲. مرّه و تکرار، فور و تراخی..... ۴۳
۳. انواع ادله: قطعی، ظنی و اصول عملیه..... ۴۶
۴. انواع حکم..... ۴۷
۵. انواع واجب..... ۴۸
- مبحث هفتم: نواهی..... ۵۹

۱. روش های نهی کردن..... ۵۹.
۲. فور و تراخی، مرّه و تکرار..... ۶۱.
۳. مسئله ضد..... ۶۱.
۴. اثر نهی در معاملات..... ۶۱.
- مبحث هشتم: مفاهیم..... ۶۴.
۱. مفهوم و منطوق..... ۶۴.
۲. انواع مفهوم..... ۶۵.
- الف. مفهوم موافق (فحوای خطاب)..... ۶۵.
- ب. مفهوم مخالف (دلیل خطاب)..... ۶۵.
۳. انواع مفهوم موافق..... ۶۵.
- الف. مفهوم موافق اولویت..... ۶۵.
- ب. مفهوم موافق مساوات..... ۶۶.
۴. انواع مفهوم مخالف..... ۶۶.
- الف. مفهوم شرط..... ۶۶.
- ب. مفهوم وصف..... ۷۰.
- پ. مفهوم عدد..... ۷۴.
- ت. مفهوم غایت..... ۷۶.
- ث. مفهوم حصر و استثناء..... ۷۷.
- ج. مفهوم لقب..... ۷۷.
۵. اقسام منطوق..... ۷۸.
- مبحث نهم: عام و خاص..... ۷۹.
۱. راههای شناخت لفظ عام..... ۸۰.
۲. اقسام عام..... ۸۱.
۳. تخصیص..... ۸۴.
۴. انواع مخصّص (به کسر صاد)..... ۸۵.

۵. مخصّص مبیّن و مجمل..... ۸۸.
۶. مسئله عمل به عام قبل جستجوی خاص..... ۹۱.
۷. مسئله امکان تخصیص عام توسط مفهوم..... ۹۲.
۸. مسئله یک مخصّص بعد از چند عام..... ۹۳.
۹. دوران بین نسخ و تخصیص..... ۹۵.
۱۰. تشخیص نسخ یا تخصیص..... ۹۷.
- مبحث دهم: مطلق و مقید..... ۱۰۲.
۱. تفاوت مطلق و مقید..... ۱۰۲.
۲. انواع قید..... ۱۰۳.
۳. انواع اطلاق..... ۱۰۵.
۴. مقدمات حکمت..... ۱۰۷.
۵. اجتماع مطلق و مقید..... ۱۱۲.
۶. اطلاق لفظی و مقامی..... ۱۱۴.
- مبحث یازدهم: مجمل و مبیّن..... ۱۱۵.
۱. اقسام مبیّن..... ۱۱۵.
۲. عوامل اجمال..... ۱۱۷.

فصل سوم: ادله استنباط احکام

- مبحث اول: کلیات و مفاهیم..... ۱۲۱.
۱. قطع، ظن و شک..... ۱۲۱.
۲. دلیل، آماره، اصل و فرض قانونی..... ۱۲۲.
۳. اقسام قطع..... ۱۲۶.
۴. تجرّی و انقیاد..... ۱۲۷.
۵. اقسام ظن..... ۱۲۸.
- مبحث دوم: ادله اربعه..... ۱۳۰.
۱. قرآن (کتاب)..... ۱۳۰.

- الف. محکّمات و متشابهات..... ۱۳۰
- ب. قطعی الصدور و ظنی یا قطعی الدلاله..... ۱۳۲
۲. سنّت..... ۱۳۳
- الف. اقسام سنّت..... ۱۳۴
- ب. اقسام خبر..... ۱۳۴
۳. اجماع..... ۱۳۷
- الف. راههای کشف رأی معصوم (ع) از اجماع..... ۱۳۸
- ب. اقسام اجماع..... ۱۳۹
۴. عقل..... ۱۴۱
- الف. اقسام دلیل عقل..... ۱۴۱
- ب. ارکان مستقلّات عقلی..... ۱۴۲
- پ. انواع مقدمه..... ۱۴۳
- ت. اذن در شی اذن در لوازم آن..... ۱۴۸
- ث. اجزا..... ۱۵۰
- مبحث سوم: سایر ادله..... ۱۵۱
۱. بناء عقلا..... ۱۵۱
۲. عرف..... ۱۵۲
۳. شهرت..... ۱۵۴
۴. قیاس..... ۱۵۵
- الف. شرایط قیاس..... ۱۵۶
- ب. قیاس منطقی، استقراء، تمثیل و قیاس اصولی..... ۱۵۷
- پ. انواع قیاس..... ۱۵۸
- ت. تنقیح مناط، تجرّیح مناط، تحقیق مناط، وحدت ملاک..... ۱۶۱
۵. استحسان..... ۱۶۳
۶. استصلاح (مصلح مرسله)..... ۱۶۵

۷. فتح ذرایع..... ۱۶۷
۸. سدّ ذرایع..... ۱۶۷
۹. استقراء..... ۱۶۷

فصل چهارم: اصول عملیه

- مبحث اول: استصحاب..... ۱۷۳
۱. شرایط اعمال استصحاب..... ۱۷۴
۲. اقسام استصحاب..... ۱۷۷
- الف. استصحاب وجودی و عدمی..... ۱۷۷
- ب. استصحاب حکمی و موضوعی..... ۱۷۸
- پ. استصحاب سببی و مسببی..... ۱۷۸
- ت. استصحاب حکم شرع و حکم عقل..... ۱۷۹
- ث. استصحاب کلی..... ۱۷۹
۳. آثار استصحاب..... ۱۷۹
۴. شک در مقتضی، وجود رافع، رافعیّت رافع..... ۱۸۵
۵. اصل تأخّر حادث..... ۱۸۶
- مبحث دوم: اصل برائت..... ۱۹۰
۱. محل اجرای اصل برائت..... ۱۹۳
۲. معانی اصل برائت در حقوق..... ۱۹۶
- الف. اصل برائت به معنای برائت از تکلیف..... ۱۹۷
- ب. اصل برائت به معنای برائت از اتهام و مجازات..... ۲۰۰
- پ. اصل برائت به معنای برائت ذمه از دین..... ۲۰۱
- مبحث سوم: اصل احتیاط (اشتغال)..... ۲۰۳
۱. اقسام شبهه..... ۲۰۴
۲. انواع شبهه بین اقل و اکثر..... ۲۰۷
- مبحث چهارم: اصل تخییر..... ۲۱۰

۱. محل اجرای اصل تخییر..... ۲۱۰
۲. تخییر بدوی یا استمراری..... ۲۱۳

فصل پنجم: تعارض ادله

۱. اقسام تعارض..... ۲۱۵
۲. شرایط ایجاد تعارض..... ۲۱۶
- مبحث اول: تراحم..... ۲۱۷
- مبحث دوم: تعارض غیر مستقر..... ۲۲۲
۱. قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح»..... ۲۲۲
۲. تخصیص..... ۲۲۴
۳. حکومت..... ۲۲۶
۴. ورود..... ۲۲۹
۵. تخصّص..... ۲۳۰
- مبحث سوم: تعارض مستقر..... ۲۳۲
- مبحث چهارم: تعارض برخی ادله..... ۲۳۶
۱. تعارض امارات با یکدیگر..... ۲۳۷
۲. تعارض امارات با اصول..... ۲۴۲
۳. تعارض اصول عملیه با یکدیگر..... ۲۴۷

فصل ششم: اجتهاد و تقلید

- مبحث اول: اجتهاد..... ۲۵۲
۱. اقسام اجتهاد..... ۲۵۲
۲. مقدمات اجتهاد..... ۲۵۲
۳. اثر زمان و مکان در اجتهاد..... ۲۵۵
۴. تخطئه و تصویب..... ۲۵۷
- مبحث دوم: تقلید..... ۲۵۷
- فهرست منابع..... ۲۶۰

علائم اختصاری

قانون اساسی	ق.ا
قانون مدنی	ق.م
قانون آیین دادرسی مدنی	ق.آ.د.م
قانون آیین دادرسی کیفری	ق.آ.د.ک
قانون تجارت	ق.ت
لایحه قانون تجارت	ل.ق.ت
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری	ق.ت.و.آ.د.د.ع.ا
قانون حمایت خانواده	ق.ح.خ
قانون کار	ق.ک
قانون صدور چک	ق.ص.چ
قانون شوراها و حل اختلاف	ق.ش.ح.ا
قانون ثبت اسناد و املاک	ق.ث.ا.و.ا
قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری	ق.ت.م.م.ا.ا.ک
قانون اجرای احکام مدنی	ق.ا.ا.م
قانون امور حسبی	ق.ا.ح
قانون روابط موجر و مستاجر	ق.ر.م.و.م
قانون زمین شهری	ق.ز.ش
آیین نامه اجرایی قانون استخدام کشوری	آ.ا.ق.ا.ک

مقدمه

در زندگی رومزه هنگام برخورد با مسائل و مشکلات حقوقی، جهت یافتن حکم قضیه، به مواد قانونی مراجعه می‌کنیم. علم اصول فقه نیز ابزاری است برای یافتن حکم هر مسئله از ادله‌های موجود. علم حقوق با علم فقه و اصول حاکم بر آن متفاوت است اما به دلیل آنکه قوانین کشور ما برگرفته از فقه امامیه است، بین این دو، پیوند ناگسستنی وجود دارد. شناخت فقه و همچنین ابزارهای دستیابی به احکام، چگونگی فهم و تفسیر قوانین مستلزم احاطه بر مباحث اصول فقه است. تسلط بر اصول فقه در فهم و تفسیر قوانین بسیار سودمند است. قضات، وکلا و اساتید در برخورد با هر مسئله‌ای، خواسته یا ناخواسته از ابتدا تا انتها با اصول فقه سر و کار دارند. با قاطعیت می‌توان گفت، داوطلبی که به اصول فقه مسلط باشد، هنگام مطالعه، به فهم و درک بسیار دقیق‌تر و صحیح‌تری خواهد رسید و کیفیت مطالعه او را بالا خواهد برد. در آزمون‌های حقوقی چند سال اخیر، سوالات آزمون، تحلیلی شده اند لذا داوطلبی خواهد توانست از این آزمون (وکالت یا...) راحت‌تر عبور کند که با احاطه بر اصول فقه، به تحلیل و فهم بالاتری از مواد قانونی دست یابد. کتاب حاضر قصد دارد تا به وسیله انطباق اصول با حقوق، علاقمندان به حقوق، علی‌الخصوص داوطلبین آزمون وکالت را به این علم، جذب نموده و اهمیت اصول فقه را در حقوق تا حد توان، نمایان سازد. ویژگی‌های این کتاب که آن را نسبت به نمونه‌های مشابه متمایز می‌کند به شرح زیر است:

۱. ساده، روان و قابل فهم بودن متن و عبارات کتاب جهت فهم همه مخاطبین، هم کسانی که تازه با اصول آشنا شده اند و هم کسانی که از قبل در این زمینه مطالعه داشته اند.
۲. استفاده از مواد قانونی فراوان پس از طرح هر مبحث در متن کتاب و ارجاعات پاورقی جهت شرح بیش‌تر آن تحت عنوان مثال‌های قانونی.

۲. جلوگیری از اطاله کلام و گردآوری تمامی مباحث اصول فقهی در یک جلد و البته تا حد امکان به صورت کامل.

۳. ارائه نکات کلیدی و تستی سنوات اخیر و مرتبط با هر مبحث ذیل هر عنوان جهت سهولت مطالعه.

۴. بیان تفاوت‌های مباحث مرتبط باهم جهت شناخت دقیق خواننده با هر عنوان و تشخیص تمایز بین آن‌ها و رفع شبهه در مواجهه با سوالات آزمونی و حتی مباحث حقوقی و اصولی.

۵. برجسته بودن کلمات و عبارات کلیدی در متن کتاب برای دریافت اصل موضوع.

در انتها لازم است از جناب آقای حمید قهرمانی و همچنین آقای سید رضا هاشمی که مشوق اینجانب در تدوین کتاب حاضر بوده اند و تمامی اساتید دوران تحصیل و بزرگوارانی که در سابق، کتاب‌های تألیفی ایشان را مطالعه نموده و بهره برده ام، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

محمدحسین خادمی

تابستان ۱۳۹۹

۰۹۱۷۹۸۲۷۴۶۵

فصل اول: کلیات و مفاهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

مبحث اول: تعاریف کلی

۱. علم فقه: دانش دستیابی به احکام و مقررات شرعی و وظیفه عملی انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است.
۲. علم کلام: علمی است که به بررسی اصول دین و آموزه‌های اعتقادی می‌پردازد.
۳. علم رجال: علم آشنایی با راویان حدیث.
۴. علم درایه: علم تشخیص روایات صحیح و معتبر از روایات ضعیف و بی‌اعتبار.
۵. علم اصول فقه: علم به مجموعه قواعد، ضوابط و ابزارهایی است که فقیه را در مسیر استخراج و استنباط احکام شرعی یاری می‌دهد.

مبحث دوم: تعریف حکم شرعی و اقسام آن

۱. حکم تکلیفی و وضعی

احکام شرعی، قانونی است که از جانب خداوند برای تنظیم زندگی انسان صادر شده است. گاه مستقیم مربوط به اعمال و رفتار انسان‌هاست مثل وجوب نماز و حرمت قتل و گاهی مربوط به امور دیگری مثل مالکیت و زوجیت افراد.

الف. حکم تکلیفی و اقسام آن: باید‌ها و نبایدها و موارد مجاز که مستقیماً به اعمال و رفتار انسان‌ها (مکلفین) مربوط می‌شود. پنج قسم می‌باشد: وجوب (مثل وجوب نماز)، حرمت (مثل حرمت شرب خمر یا تصرف در ملک غیر)، استحباب (مثل استحباب ازدواج یا صدقه دادن)، کراهت (مثل کراهت طلاق)، اباحه (مثل خوردن و آشامیدن چیزهای حلال).

ب. حکم وضعی: هر حکمی که تکلیفی نباشد (یعنی اگر جزو احکام خمسّه وجوب، حرمت، کراهت، استحباب یا اباحه نباشد)، وضعی است. مثل ملکیت، صحت، لزوم، بطلان، عدم نفوذ، انفساخ، شرطیت، مانعیت، طهارت، نجاست، سببیت، حجیت، وکالت، ولایت، ضمان، زوجیت و

نکته اول* احکام تکلیفی فقط شامل افراد **عاقل و بالغ** می‌شود اما در احکام وضعی، بلوغ و عقل، شرط نیست و فرقی میان شخص مکلف و غیرمکلف وجود ندارد. سوال؛ ماده ۴۶۸ ق.م: «در اجاره اشیاء، مدت اجاره باید معین شود و الا اجاره باطل است» حکم تکلیفی یا وضعی است؟ چواب: حکمی وضعی (شرطیت) است زیرا بلوغ و عقل در بطلان این مورد اثر ندارد و حتی اگر شخص عاقل و بالغ نیز اجاره‌ای را بدون مدت منعقد کند، باطل است. بنابراین **هر باید یا نبایدی، حکم تکلیفی نیست!** (مثال دیگر ماده ۱۱۳۶ ق.م).

نکته دوم* در علم حقوق فقط با **وجوب** (مثل الزام به پرداخت مالیات یا تسلیم مبیع) و **حرمت** (مثل ممنوعیت شکنجه و تفتیش عقاید) و **اباحه** (مثل اباحه انعقاد بیع یا اجاره یا انتخاب مسکن و شغل موردنظر) مواجه می‌شویم.^۱

نکته سوم* بین لزوم با لازم بودن، بین جواز با جایز بودن، بین صحت با اباحه، بین ضامن بودن با وجوب و... تفاوت وجود دارد. لفظ «لازم» هرگاه به معنای عقد غیر قابل فسخ باشد، بیانگر حکم وضعی و هرگاه به معنای واجب و الزامی

۱. استثنائاً ماده ۱۰۱ ق.م.ا، در خصوص استحباب است. «مناسب است که حاکم شرع، مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد...»

باشد بیانگر حکم تکلیفی است. لفظ «جایز» هرگاه به معنای عقد قابل فسخ باشد بیانگر حکم وضعی و هرگاه به معنای مجاز و مباح باشد، حکم تکلیفی است. و علاوه بر این، توجه به معنای متضاد یا نتیجه عکس آن در پی بردن به نوع حکم نیز راهگشا خواهد بود. برای مثال نتیجه عدم تعیین مدت در اجاره، بطلان آن است (حکم وضعی شرطیت) یا وکالت مجانی نیز صحیح است و باطل نیست (حکم وضعی صحت) یا ماده ۱۶۲ ق.م. جواز تملک مال پیدا شده (حکم تکلیفی اباحه).

نکته چهارم* جهت شناخت تکلیفی یا وضعی بودن حکم در صورت استفاده از لفظ «باید یا لزوم»، اگر باید موردنظر، انجام نشود، مجازات یا اجبار قانونی به دنبال داشته باشد، حکمی تکلیفی است مثل وظیفه بایع در تسلیم مبیع یا فرزند در انفاق به والدین یا انجام نماز اما اگر نتیجه خودداری از انجام باید موردنظر، ایجاد وضعیت باشد، حکم وضعی است مثل مورد معامله باید معین باشد یا طلاق‌دهنده باید عاقل باشد یا... (باید، در صورتی حکم تکلیفی است که ناظر بر انجام دادن کاری توسط شخص باشد اما اگر باید، ناظر بر وضعیت فعل یا شیء باشد، حکمی وضعی است). سوال؛ ماده ۷۵۷ ق.م. «صلح بلاعوض نیز جایز است.» حکمی تکلیفی یا وضعی است؟ جواب: حکمی تکلیفی (مباح و مجاز) است. / سوال؛ ماده ۷۶۰ ق.م. «صلح، عقد لازم است اگر چه در مقام عقود جایزه واقع شده باشد...» حکمی تکلیفی یا وضعی است؟ جواب: حکمی وضعی (جایز بودن در مقابل لازم بودن) است.

نکته پنجم* عباراتی مثل «بهتر است، مناسب است، حتی المقدور، حتی الامکان» در اکثر مواقع برای بیان «استحباب» استفاده می‌شوند (مانند ماده ۱۰۱ ق.م.ا سابق^۱).

۱. ماده ۱۰۱ ق.م.ا سابق: «مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مؤمنین که از سه نفر کم‌تر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند»

نکته ششم* وجوب و حرمت را «حکم تکلیفی الزامی» و استحباب و کراهت و اباحه را «حکم تکلیفی ترخیصی» گویند.

نکته هفتم* جمله خبری در مقام انشاء دلالت بر وجوب می‌کند بنابراین حکم تکلیفی است.

نکته هشتم* جواز و ترخیص نیز مشمول اباحه می‌باشند و حکم تکلیفی اند. مثل امکان درخواست تامین خواسته از سوی خواهان (ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م) یا امکان صلح نمودن همراه با انکار دعوا (ماده ۷۵۵ ق.م.ا).

نکته نهم* ماده ۲۹۱ ق.م: «ابراء ذمه میت از دین صحیح است». دارای حکمی وضعی است نه تکلیفی. زیرا منظور از عبارت «صحیح است»، یعنی اینکه باطل نیست. اما اگر منظور قانون‌گذار در ماده‌ای، از این عبارت، مباح بودن باشد، حکم تکلیفی است.

نکته دهم* حکم تکلیفی، ناظر به بیان تکلیف الزامی یا غیر الزامی است اما حکم وضعی، وضعیت شیء یا امری را توصیف می‌کند.

نکته یازدهم* ماده ۷۱ ق.م.ا: «اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است»، حکمی تکلیفی و نهی‌کننده است (حرمت) و ممکن است مستلزم حکم وضعی هم باشد.

۲. حکم واقعی و ظاهری

الف. حکم واقعی: حکم به دست آمده از دلایل اجتهادی (قرآن، سنت، اجماع یا عقل) یعنی احکامی که توسط قرآن، سنت، اجماع یا عقل قابل استنباط بوده مثل حرمت شرب خمر، ضامن بودن اتلاف‌کننده (ماده ۳۲۸ ق.م.و ...).

۱. ماده ۷۵۵ ق.م: «صلح با انکار دعوی نیز جائز است بنابراین درخواست صلح اقرار محسوب نمی‌شود».